

استقلال از غرب است، هرگز بدون همراهی مردم سرپا نخواهد ماند.

پیروزی در دفاع مقدس، جهاد سازندگی، پیشرفت در صنایع نظامی، دفاع از حرم و تغییر معادلات منطقه، حضور جهادگرا نه مردم در خدمت‌رسانی به سیل‌زندگان و زلزله‌زندگان در سال‌های اخیر و امروز مبارزه با کرونا همگی مصادیق نیرویی است که مردم برای برپا نگاه‌داشتن جامعه و حکومت به صحنه آورده‌اند. این نیرو برخاسته از ایمان به امر قدسی است که غرب قوام خود را مدیون فراموشی آن است. البته در وضع کنونی عالم این غفلت آن چنان از حد گذشته که دیگر نه مایه شکل‌گیری مدرنیته و فریگی تمدنی غرب، بلکه زمینه شکنندگی آن را مهیا می‌کند. بر این اساس امروز در سراسر جهان شاهد توجه بیشتر مردم به دین هستیم و این از مسائلی است که در جهان پساکرونا پررنگ‌تر از گذشته خواهد شد.

شاید نقطه ضعف جدی نحوه حضور مردم ایران در همراهی با حکومت این است که به این مداخله در وضعیت استثنایی خو گرفته است و هنوز جمهوری اسلامی از عهده بازاندیشی و اصلاح ساختار اداری و دیوان‌سالاری خود به نحو اساسی برنیامده است. بوروکراسی کشورهای توسعه‌نیافته و از جمله ایران مربوط به دوره رکود غرب است و از رو از پشتیبانی یک فرهنگ بانشاط و نیرومند بی‌بهره است. بوروکراسی امروز کالبدی است که روحی ناآرام و پرشور را در خود جای داده است. روح با کالبد خویش نمی‌سازد و باید تناسبی میان آن‌ها برقرار گردد. تا امروز چاره‌اندیشی ما برای حل این معضل تنها تأسیس نهادهای موازی بوده است که آن‌ها نیز به مرور شبیه ساختار فرتوت پیشین می‌شوند و کارایی خویش را از دست می‌دهند. این کالبد در شرایط عادی و بازه زمانی طولانی بقای خویش را وام‌دار تکیه به پول نفت بوده و مشارکت مردم محدود به بحران‌ها و رخدادها و حوادث و به شکلی خارج از ساختارهای رسمی حکومت شکل گرفته است.

اکنون که فروش نفت کشور به حداقل رسیده، باید هرچه زودتر طرحی کلان برای اصلاح ساختار حکمرانی و ایجاد هماهنگی میان فرهنگ عمومی و ساختارها و قوانین در انداخت که اگر چنین نشود، معلوم نیست در بحران‌های پس از این تا کجا مردم این فشار مضاعف را تاب آورده و به یاری حکومت خواهند آمد!

حوزه عمومی بیرون رانده و امکان قدرت گرفتن دوباره امر سیاسی را به صفر برسانند. با اینکه فضای مجازی در مدت قرنطینه حضور کاربران بیشتری را تجربه کرد، تغییر برای مردم در جهان واقعی رخ می‌دهد.

پس از وقوع جنگ‌های جهانی با تیره شدن افق آینده، نیروی تاریخی تجدد در پیمودن ادامه راه رو به ضعف نهاد و مردم به تدریج از صحنه سیاست و همراهی دولت‌ها کنار کشیدند. دولت مقتدر در چنین شرایطی ظهور کرد تا به مدد اتحاد سیاست و تکنولوژی و بسط ایده و رویکرد سراسری، اگر آینده را باخته، دست‌کم از وضع موجود صیانت کند. کم‌کم امر سیاسی به امر اجتماعی تبدیل و با کوچک‌تر شدن حوزه عمومی، آزادی نیز به سبک زندگی فروکاسته شد. در این شرایط هیچ چیز به اندازه جهان مجازی با امکان‌های بی‌پایانش به توهم این آزادی دامن نمی‌زند؛ درحالی‌که به مراتب بیش از جهان واقعی تحت کنترل و هدایت است.

با انجام قرنطینه، ارتباطات انسانی به درون فضای مجازی رانده و امکان سیاست‌ورزی برای مردم محدودتر شد. دولت‌های قدرتمند جهانی با اتکا به تکنولوژی روزبه‌روز خود را از حضور سیاسی مردم بی‌نیازتر می‌کنند. اینکه چرا چنین است زمانی فهم می‌شود که بدانیم به رغم طنین پرتکرار شعار آزادی و برابری از سوی غرب برای اقناع ملت‌های دیگر برای پذیرش نظم نوین جهانی آنچه در عمل رخ داده این است که «۲ درصد» جمعیت جهان به اندازه نیمی از مردم دنیا ثروت دارند و تنها «۶ درصد» ثروت جهانی در اختیار ۸۰ درصد جمعیت جهان است. در چنین شرایطی آیا نباید کرونا و قرنطینه را فرصتی برای بازطراحی آینده جهان دانست؟ فرصتی برای خاموش کردن اعتراضات مردمی که در چنین شرایط نابرابری چیزی برای از دست دادن ندارند و تنها با مرگ سکوت خواهند کرد؛ مرگی خاموش که یا ویروس وظیفه انجام آن را بر عهده می‌گیرد یا گرسنگی ناشی از قرنطینه و از بین رفتن کارهای موقت و روزمزد!

در طول چهل سال گذشته آنچه وجه تمایز آشکار جمهوری اسلامی با دیگر کشورها به‌ویژه دول غربی بوده، دعوت مردم به حضور در صحنه و تبدیل تهدید به فرصتی استثنایی است؛ تهدیدی که با وقوع انقلاب اسلامی و فشار حداکثری غرب برای شکست آن، یک وضعیت استثنایی حقیقی بود. در این شرایط بحرانی دولت، آن هم دولتی که تازه بر سرکار آمده، مدعی



احیا و تنفس طبیعت، بلکه فرصتی برای کاهش هزینه‌های نظام سرمایه‌داری و در ادامه طراحی ایده‌های تازه برای تصرف باشد، در آنچه از طبیعت باقی مانده است.

رخدادها و جنگ‌های اقتصادی و سیاسی بسیاری در پس پرده کرونا است که نشانه‌هایی از آن گهگاه به رسانه‌ها در می‌زند؛ اما از آنجا که در عصر حاضر رسانه‌ها بیش از آنکه متعهد به رسالت نقل و انتشار حقیقت باشند، تلاش می‌کنند نشانه‌های آن را در میان صدها روایت دروغ پنهان کنند، شاید کشف راز کرونا به سهولت و سرعت میسر نباشد. قدرت شیوع وسیع و سریع این ویروس در کنار قدرت رسانه در ساختن تصویری هولناک از مرگبار بودن کرونا افکار عمومی جهان را برای پذیرش شرایط قرنطینه گسترده مهیا کرد تا از این رهگذر دولت‌ها به مثابه کارگزاران سرمایه‌داری با برپایی یک وضعیت استثنایی جهانی مردم را بیش از گذشته از